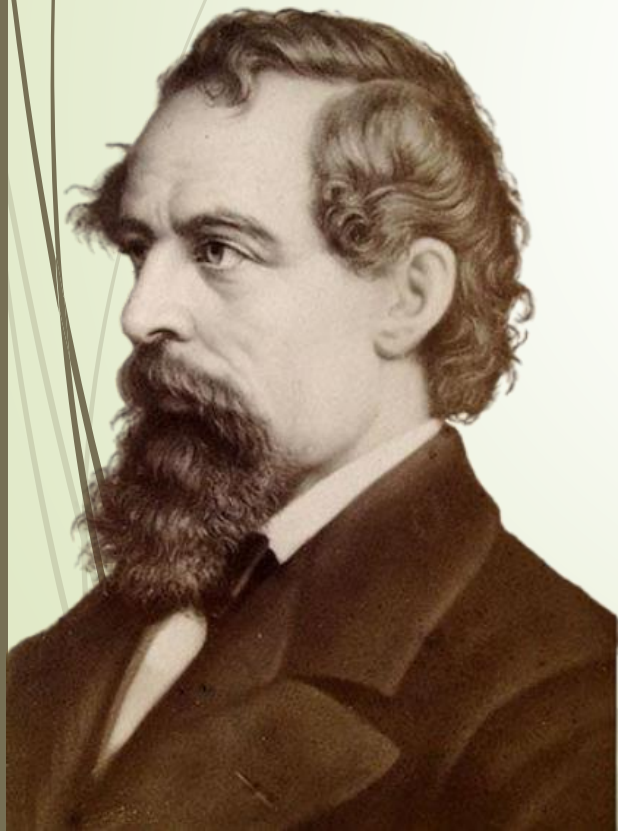


۷	مقدمه
۱۴-۱۰	بزرگان شعر
۱۶	ادبیات ارمنی
۱۸	ادبیات جهان
۲۱	ادبیات ایران
۳۰-۲۶	شعر شاعران
۶-۴	تبلیغات
۳۹	موسیقی
۵۰-۴۷	مصاحبه
۴۲	سینما
۳۶-۳۵	ترجمه استاد مهکامه اجتماعی فرد

“You talk when you cease to be at peace
with your thoughts.”

Kahlil Gibran, The Prophet



طراح وبسایت: داوود محمد کیا
@Esher. Official

A N I



دسته بندی موضوعی: ادبیات
دوره انتشار: دو هفته نامه
مدیر مسئول: آنیتا- آرزومانیان
شماره: چهل و هشتم

پست الکترونیکی:

www.ani.arzoomanian@yahoo.com

تلگرام:

t.me/anisettes

اینستاگرام:

@Anita_Arzoomanian

وب سایت:

www.aniletters.com

www.anipoetry.ir

ساخت انواع منسوجات نقره
جهت سفارش با شماره تلفن های زیر تماس
حاصل فرمایید.

۶۶۷۱۰۰۳۹

۰۹۱۹۵۰۸۸۵۳۶

آرمن نظریانس

فروشگاه شاپیک، عرضه کننده البسه
مردانه، انواع پیراهن و شلوارهای مردانه.
آدرس: پاسداران، هروی، خیابان
موسوی (گلستان ۵)، مرکز خرید
مایسا، طبقه ۱، رمپ ۳، پلاک R۵۸

و... عکاسی از محصولات، ساخت ویدیو
تبلیغاتی، ساخت و طراحی لوگو، تولید
محتوای آموزشی
تلفن:

۲۶۷۵۸۰۱۷-۰۹۳۹۲۲۲۱۲۰۱

خرید، فروش و تعمیرات تخصصی
لپ تاپ و قطعات.
شماره تماس:

۰۹۱۰۱۴۴۹۹۶۶

آلبرت آرستاکس یانس

قلم زنی دستی سبک تبریزی روی فلزات گرانبها
،ساخت و تعمیر انواع ظروف و زیور آلات.
جهت سفارش با شماره تلفن زیر تماس حاصل
فرمایید.

۰۹۱۹۰۲۶۶۵۵۲

دکتر بهزاد هوشمند

متخصص و جراح بیماری های لته و ایمپلنت

۲۲۰۱۹۳۶۶

۲۲۰۱۹۰۷۳

- پراتو فیزیکیال تئاتر اریال یوگا و نمایش
- استودیوی ضبط موسیقی و آهنگسازی
- مجهز به فضای باز مجزا



تجربه حس خوب با اریال یوگا

کالری سوزی بین ۲۰۰ تا ۱۰۰۰ کالری

از بین بردن گرفتگی عضلات

تقویت عضلات شکم، پهلو و کمر

آزاد کردن اندورفین

افزایش انعطاف پذیری بدن

تسکین فشارهای مفصل و ستون فقرات

افزایش حس حضور در محیط

افزایش تمرکز



mirela__art

Let's relax with
MI RE LA

کریم خان



۰۹۳۶۹۲۷۵۲۲۸



محدوده کریمخان
تلفن تماس:

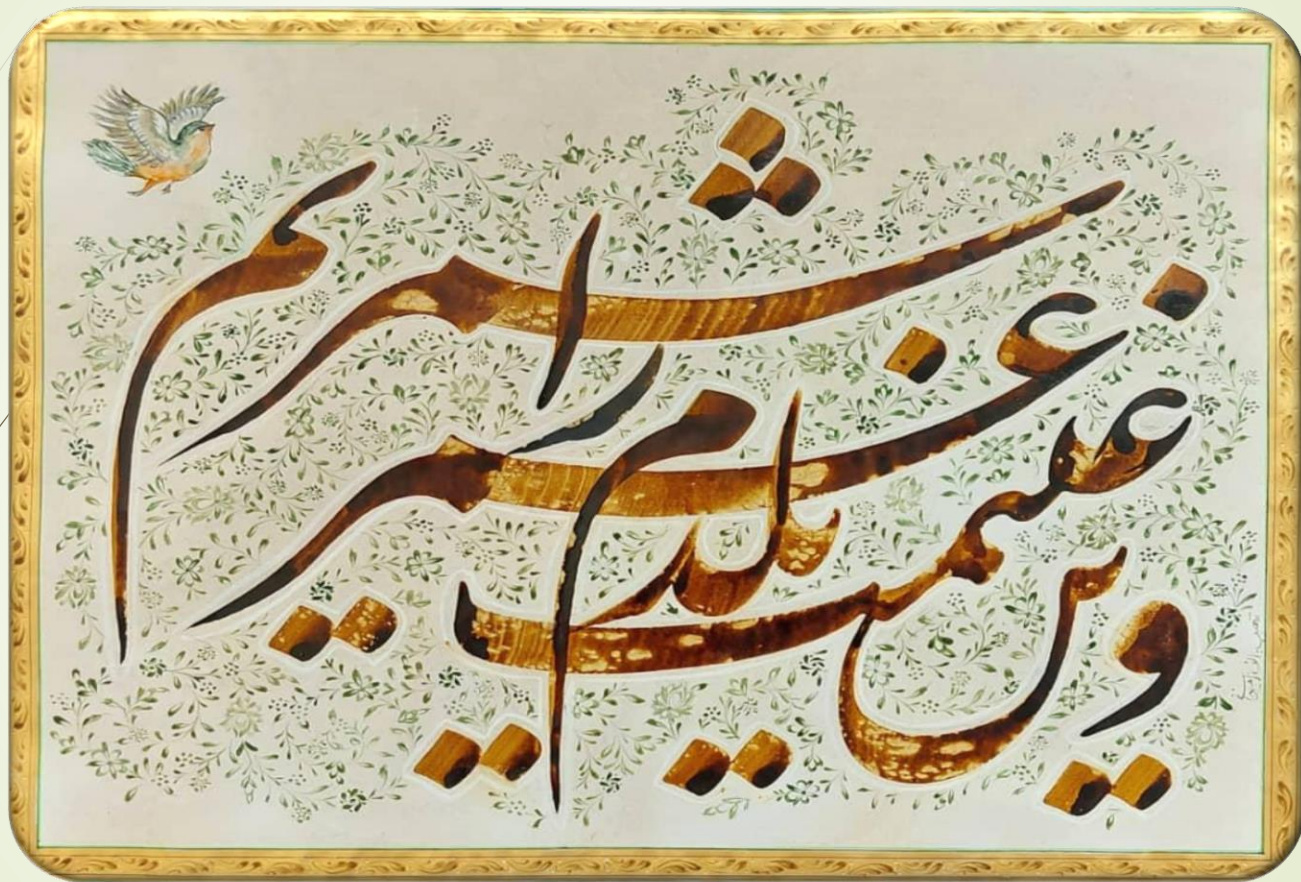
۰۹۳۶۹۲۷۵۲۲۸

جناب آقای علی دماوندی



@mirela__art

مدرس انجمن خوشنویسان ایران
خطاط: علی ملک



Ali.malek.art

چنین مفهومی که ضعف انسان‌ها را نشان دهد در سایر تراژدی‌های او مثل مکبث و اتللو هم به صور مختلف تکرار می‌شود. در اتللو ضعف انسانی را در قالب یک فرمانده توانمند می‌بینیم که علی‌رغم مهارت در مدیریت امور، در مدیریت افکار و زندگی خود ناتوان است و بسیار شتاب‌زده تصمیم‌گیری می‌کند. ضعف اتللو همان ضعفی است که هملت خطاب به مادرش بر زبان می‌آورد. پس منظور شکسپیر ضعف زنان نیست بلکه ضعف انسان‌هاست. در حقیقت: "ضعف است نام تو ای انسان".

شکسپیر به عنوان یک فرد پست مدرن و بسیار فراتر از زمان خود، با وجود پذیرش توانمندی‌های بلاشک انسانی، مفهوم انسان‌گرایانه پذیرفته شده در قرن شانزدهم را آسیب‌شناسی می‌کند. انسان توانمند است اما، و این امای شکسپیری است، به دلیل وجود احساسات و تعصبات مهارنشده هم در او و هم در دنیای پیرامون او، خطاهای خانمان‌سوزی را مرتکب می‌شود. شکسپیر پیشگام انسان‌گرایی نیست، بلکه شخصی است که به نمایشگاه انسان‌گرایی رفته است و برای ما تعریف می‌کند که این تفکر به چه چیزهایی اولویت می‌داده و رویکرد انسانی وی نسبت به این گفتمان غالب در جامعه چه بوده است.

در قرن شانزدهم میلادی، فاؤست‌نامه نویسی در بین ادیبان اروپایی به دفعات دیده می‌شد. ولی چرا شکسپیر هرگز نسخه خودش از فاؤست را ننوشت؟
نظرات شکسپیر با آرای فاؤست نویسان متفاوت بوده است. شکسپیر گفتمان غالب زمانه خودش را در غالب حکمی لاتغییر باور ندارد و نمی‌پذیرد که انسانی با توانایی‌های لایتناهی مثل دکتر فاؤستوس بتواند طبیعت واقعی انسان را به تصویر بکشند.

Դասական երաժշտություն

8

Համբարձում Լիմոնձյանը 1813-1815 թթ ստեղծում է հայկական նոր նոտագրություն: Այդ ժամանակ գրառվեցին ինչպես ժողովրդական երաժշտության նմուշներ, այնպես էլ հոգևոր մասնավորապես Նիկողայոս Թաշչյանը հին հայկական հոգևոր երաժշտական ստեղծագործությունների 3 հատոր գրեց: Երաժշտական մշակույթի նոր վերելք նկատվեց 19-րդ դարի երկրորդ կեսին, որը պայմանավորված էր նաև ազգային-ազատագրական գաղափարներով: Թե՛ Արևելյան և թե՛ Արևմտյան Հայաստանում, ինչպես նաև Թուրքիայում, վերածնվում է հայկական երաժշտահասարակական կյանքը: Հրատարակվում են երգերի բազմաթիվ ժողովածուներ (Ռափայել Պատկանյանի երգերի ազգային ժողովածուն, 1856 թ, Սանկտ Պետերբուրգ), ստեղծվում են երաժշտական համայնքներ: Նիկողայոս Թաշչյանը (1878), Վենետիկի Մխիթարյանները (1882) և այլք երաժշտական տեսության և երաժշտական գրագիտության դասագրքեր են ստեղծում: Այդ ժամանակաշրջանի կարևոր մշակութային ձեռքբերումը դառնում է հայկական երաժշտական պարբերականը: Դեռևս 1857 թ Գաբրիել Երանյանը և Ա. Հովհաննիսյանը հրատարակում են երաժշտական «Քնար արևելյան» ամսագիրը: 1879 թվականից լույս է տեսնում նաև Ե. Տնտեսյանի «Նվագ հայկական» ամսագիրը:



Տիգրան
Չուխաճյան՝
հայկական
առաջին օպերայի
(1868),
օպերետաների,
կամերային և
սիմֆոնիկ
ստեղծագործությո
ւնների հեղինակ

یادداشت های دکتر احمد نوری زاده گزیده ای از
مجموعه «ماندگاران خاطره های من» (بخش پنجم)
تهیه و تدوین: ایساک یونانسیان

و با اطلاعات ناقص خود از دوران های گونه گون تاریخ بشری، به ویژه توتیمیزم، همچنان با مقوله «پدرکشی نخستین» و «عقدۀ ادیپ» کلنچار برود و همچنان، باعث همه دشواری های روانی انسان را وجود غریزه جنسی قلمداد کند و بی خبر از دستاوردهای روان شناسی علمی و دستاوردهای ایوان میخائیلویچ سجنوف درباره ساختمان نیمکره های مغز و اعصاب مرکزی و بازتاب های مشروط و صدها اعجاز طبیعت در تکامل ساختمان مغز و ضمیر ناخودآگاه و پرده خاکستری و قشر مخ و چیزهای دیگر مربوط به روان شناسی، که از حیطة آگاهی های حقیر بی تقصیر فراوان دور است و خواننده همیشه بخشاینده پرچانگی های فعله های راستین قلم و فضل فروشان بی مایه هرزه را مطمئن کنم که قصدم از قلمی کردن این اندک تنها واگویی شتابناک چند خاطره اینک به دور مانده است که دلیل بازنگری آنها را به ناگزیر باید در رازواره های هزار توی مغز جست و جو کرد و محرک های خارجی.

از غنیمت روزهای تعطیل نوروزی، که شهر پر تپش آسمان خراش ها و آهن پاره های الوان و شتابناک موتوری، که دود مسموم در ریه ها می انبارند و جنون صوتی را به جمجمه ها پمپاژ می کنند، به یکباره تهی می شود و خیابان ها و کوچه های شهر خسته از هیاهو و جنجال جنون آمیز خجولانه عریانی پر شکوفه بهاری خود را برملا می کنند، سود می جستم و سوار بر توسن خیال در گذشته ها می تازیدم تا هم به سرانجام تکلیفم را با رمان سه جلدی ام، در گذرگاه رنج، یکسره کنم و هم به بهانه پر کردن چاله چوله های اندوخته های ذهنی یک بار دیگر مروری داشته باشم بر کتاب هایی که سال ها و حتی دهه ها پیش با چشم بلعیده ام و به حافظه سپرده ام. همین شد که برخی کتاب های فارسی و ارمنی را، در زمینه های گوناگون تاریخی و فرهنگی و ادبی، به دیگر باره تورق کردم و برخی چهره ها، که بیشتر شان اینک روی در نقاب خاک کشیده اند، در مخیله من دوباره جان گرفتند و خاطره هایی که در گذشته های دور و نزدیک با آنها داشته ام فکر را به خود مشغول کردند.

Համլետ Կարճիկյան

Համլետ Թորգոմի Կարճիկյան (Թորգոմյան Արմեն, ապրիլի 26, 1936, Երևան, Հայկական ԽՍՀ, ԱԽՖՍՀ, ԽՍՀՄ - փետրվարի 15, 2022), հայ բանաստեղծ, հրապարակախոս, թարգմանիչ, լրագրող: Հայաստանի գրողների միության անդամ (1975): ԽՍԿԿ անդամ 1965 թվականից:

Երկեր

- Երևանյան սոնատ, Երևան, 2011:
- Սիրո բույրը... Հայաստանի, Երևան, 2003:
- Կանգ առ, մոլորակ Երևան, 1996:
- Սիրտ բանական, Երևան, 1988:
- Սիրտ-խարիսխ, Մոսկվա, 1987:
- Լռության ճիչը ...: Մեծ եղեռնի 101 և հեղինակի 80-ամյակներին: ՀԳՄ հրատարակչություն, 2016, 111 էջ:





بابک قبادی، شاعر و نویسنده در سال ۱۳۶۹ در شهر تهران متولد شد و تحصیلات عالی وی در رشته‌ی مهندسی عمران، گرایش مهندسی آب و هیدرولیک تا مقطع دکترا ادامه داشته. محوریت بیشتر شعرهای او مسائل اجتماعی بوده که در این میان شاهد آثار عاشقانه‌ای نیز از ایشان هستیم. «ساکن خیابان انقلاب» عنوان اولین مجموعه از شعرهای سپید قبادی است که در سال ۱۳۹۶ توسط انتشارات نزدیک ترراهی بازار نشر شد. سروده‌های او در نشریات نام‌آشنایی چون: تجربه، سیاه‌مشق، ستاره صبح، هفته و همچنین بسیاری از وب‌سایت‌های ادبی منتشر شده است. شعر قبادی، زبانی ساده و نسبتاً کوتاه دارد. بیشتر در فضای شهری اتفاق می‌افتد و دغدغه‌های جامعه و انسان امروز را مورد بررسی قرار می‌دهد. مجموعه شعر «کاج»، دومین اثر بابک قبادی بوده که در پاییز ۱۳۹۸ از سوی نشر ایجاز منتشر شد. در کنار ادبیات، محیط‌زیست و کنشگری در این حوزه، دغدغه‌ی دیگر بابک قبادی است. از فعالیت‌های دیگر او می‌توان به عکاسی هنری و شهری اشاره کرد. «پرده‌ی آخر» عنوان تازه‌ترین اثر بابک قبادی است که پس از اصلاحات فنی و ویرایش، راهی بازار نشر خواهد شد.

Aagesen was born in Kvæfjord Municipality. As a young man, he left Kvæfjord for Tromsø, where he found work with the roads authority. In his spare time, he wrote poetry and short stories, with a penchant for horror stories and ghost stories. Many of these were published in magazines and newspapers. One of his books was published in 1985, and a second one after his death. Upon the release of the first book, a review by Sissel Lange-Nielsen published in Aftenposten stated that "Grøndahl Publishing has given Fritz Aagesen's debut volume, Timen før daggry (The Hour Before Dawn), the subtitle 'Ghost Stories from Northern Norway.' And ghost stories are there, but they are so well told that I think they will become classic stories. Fritz Aagesen knows how to tell a story. The landscape and people function together in a concise and vibrant style that allows just enough time to portray the situation so that the reader can experience it."

Aagesen is buried at Elvestrand Cemetery in Troms.

Alda Merini

13

Francis Petrarch (20 July 1304 – 19 July 1374; Latin: Franciscus Petrarca; modern Italian: Francesco Petrarca [fran'tʃesko pe'trarka]), born Francesco di Petrarco, was a scholar from Arezzo and poet of the early Italian Renaissance and one of the earliest humanists.

Petrarch's rediscovery of Cicero's letters is often credited with initiating the 14th-century Italian Renaissance and the founding of Renaissance humanism. In the 16th century, Pietro Bembo created the model for the modern Italian language based on Petrarch's works, as well as those of Giovanni Boccaccio, and, to a lesser extent, Dante Alighieri. Petrarch was later endorsed as a model for Italian style by the Accademia della Crusca.

Petrarch's sonnets were admired and imitated throughout Europe during the Renaissance and became a model for lyrical poetry. He is also known for being the first to develop the concept of the "Dark Ages".



Николай Карамзин

Николай Михайлович Карамзин — великий русский писатель, крупнейший литератор эпохи сентиментализма. Писал художественную прозу, лирику, пьесы, статьи. Реформатор русского литературного языка. Создатель «Истории государства Российского» — одного из первых фундаментальных трудов по истории России.



حسین فردوست

15



حسین فردوست (۲ اسفند ۱۲۹۶ - ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۶) ارتشبد نیروی زمینی شاهنشاهی ایران، رئیس دفتر ویژه اطلاعات از ابتدای تأسیس در ۱۳۳۸، قائم مقام ساواک طی سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۲، رئیس سازمان بازرسی شاهنشاهی از ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷ و یکی از برجسته‌ترین و مؤثرترین چهره‌های اطلاعاتی دوران حکومت پهلوی و همدرس و دوست صمیمی دوران کودکی و نوجوانی محمدرضا پهلوی بود.

فردوست در سال ۱۳۳۸ رئیس دفتر ویژه اطلاعات شاه بود که فعالیت‌های مقام‌های مملکتی و درباری را به خصوص دربار را به شاه گزارش می‌داد. در سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۵۰ قائم مقام ساواک (سازمان اطلاعات و امنیت کشور) و در سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۵۷ همزمان با ریاست دفتر ویژه اطلاعات، رئیس سازمان بازرسی شاهنشاهی بود. وی همچنین مسئول یک سازمان مخفی به نام بازرسی حزب رستاخیز بود که از استواران بازنشسته نظامی با بودجه سالانه حدود سی میلیون تومان برای روز مبادا تشکیل شده بود اما هیچ وقت از آن استفاده نشد.

فردوست پس از انقلاب به صورت پنهان در ایران زندگی می‌کرد و سرانجام در آبان ۱۳۶۲ در خانه پدری‌اش توسط نیروهای اطلاعاتی دستگیر شد و سرانجام در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۶ در حالی که ۴ سال در بازداشت به سر می‌برد و به نگارش کتاب خاطرات خود می‌پرداخت در ۷۰ سالگی و بر اثر سکته قلبی درگذشت و در بهشت زهرا (قطعه ۱۰۸، ردیف ۵۵، شماره ۲۵)

به خاک سپرده شد.

شخصیت آلتس، که در پایان نمایشنامه به دست هرکول از هادس (قمر دوزخ) رهایی می یابد، به گونه ای موثر و ملموس پرورانده شده است.

"مدیا" (۴۳۱ ق.م). یکی از مشهورترین و دلنشین ترین نمایشنامه های یونانی و شاهکار اورپیدس است. موضوع نمایشنامه طغیان احساساتی چون خشم و حسادت است که ممکن است بر عقل چیره شوند و آدمی را به سوی اعمال غیر انسانی، فاجعه و خودکشی بکشانند. مدیا که شوهرش ژازون به ترک او گفته است در صدد انتقام بر می آید. گلوسه، معشوقه تازه شوهر را مسموم و دو فرزند خود را که از ژازون دارد هلاک می کند و سپس، جسد آنها را در معرض تماشای شوهر قرار می دهد. در این نمایشنامه سیمای مدیا که در گیراگیر عشق فرزندان و نفرت از پدر آنها قرار دارد، استادانه ترسیم می شود. در پایان نمایش نیز اورپیدس صحنه گیرا و شگفتی اوری می افزیند: مدیا به گردونه ای که چند اژده های بالدار آن را میکشند به آتن می گیریزد.

"هیپولیتوس" یا "هیپولیت" (۴۲۸ ق.م). بازمانده از یک چهارگانه (تترالوژی) است که برنده جایزه شده بود (سه بخش دیگر از بین رفته است). بر نویسندگانی مثل اووید، سنکا، راسین، و دانونزیو تاثیر گذاشته است. موضوع نمایشنامه لزوم میانه روی در عشق و تسلط بر احساسات خویش است.

تزه ئوس (=تزه) و فدرا نهایت افراط را در هیجانان ارائه می دهد، و هیپولیت نهایت تفریط را که ارسطو "نقص" خوانده است. هنگامی که هیپولیت، فرزند تزه، عشق زبان پدرش فدرا را رد می کند، فدرا دست به خودکشی می زند و در یادداشتی که برای تزه باقی می گذارد هیپولیت را متهم میکند که به او تجاوز کرده است. هیپولیت به دست پوزئیدون و به تقاضای تزه، که بسی دیر به حقیقت پی میبرد، کشته میشود.

به خاطر می آورم که در تمام این مدت، با وجود صدها رفیقی که مرا احاطه کرده بودند، در تنهایی عجیبی زیست می کردم و این تنهایی را گرامی می داشتم. زندگی درونی خود را فقط با روح خویش می نگریدم. آن را تا کوچک ترین جزئیاتش تحلیل و درباره ی آن بی رحمانه و با سخت گیری داوری می کردم. حتی بعضی اوقات به سرنوشت درود می فرستادم که این تنهایی را به من ارزانی داشته است؛ زیرا بدون آن نمی توانستم این طور درباره ی آن قضاوت کنم.

خاطرات خانه اموات
فیودور داستایوفسکی



و تصمیم گرفتند تا آخرین قطره خون، برای تامین استقلال و حفظ یکپارچگی ملی خود به جنگ ادامه دهند. در سال ۴۵۰ م سپاهیان منظم و دسته های نامنظم رزمی برای تحکیم موقعیت پشت جبهه، پادگان ها و قرارگاه های نظامی یزدگرد دوم را در داخل خاک ارمنستان یک به یک نابود میکنند و در نقاط حساس کشور موضع میگیرند. قیام کننده ها با گرجی ها و آقوان ها که آن ها هم دست به شورش زده بودند پیمان همکاری می بندند. علاوه بر این ارمنیان برای دریافت کمک به بیزانس نیز مراجعه میکنند اما قیصر مارکیانوس (۴۵۰-۴۵۷ م) نه تنها از کمک کردن خودداری می کند بلکه یزدگرد را هم در جریان امر قرار میدهد. بدینگونه باید قیام کننده ها فقط و فقط به نیروهای منظم و نامنظم خود متکی می شدند. رهبر قیام **وارطان مامیگونیان** بلافاصله دست به اقدام میزند و سپاه خود را به سه بخش تقسیم کرده هر بخش را به یکی از جبهه ها اعزام می دارد. وارطان که خود در راس سپاهی به مقابله با لشکریان یزدگرد رفته بود در ناحیه **خاق خاق** (واقع در جوار شهر **قازاخ** کنونی) موفق میشود لشکریان یزدگرد د.م را که که از نظر تعداد به افراد وی برتری داشتند، در هم شکند و پیش روی به سمت شمال را ادامه دهد.

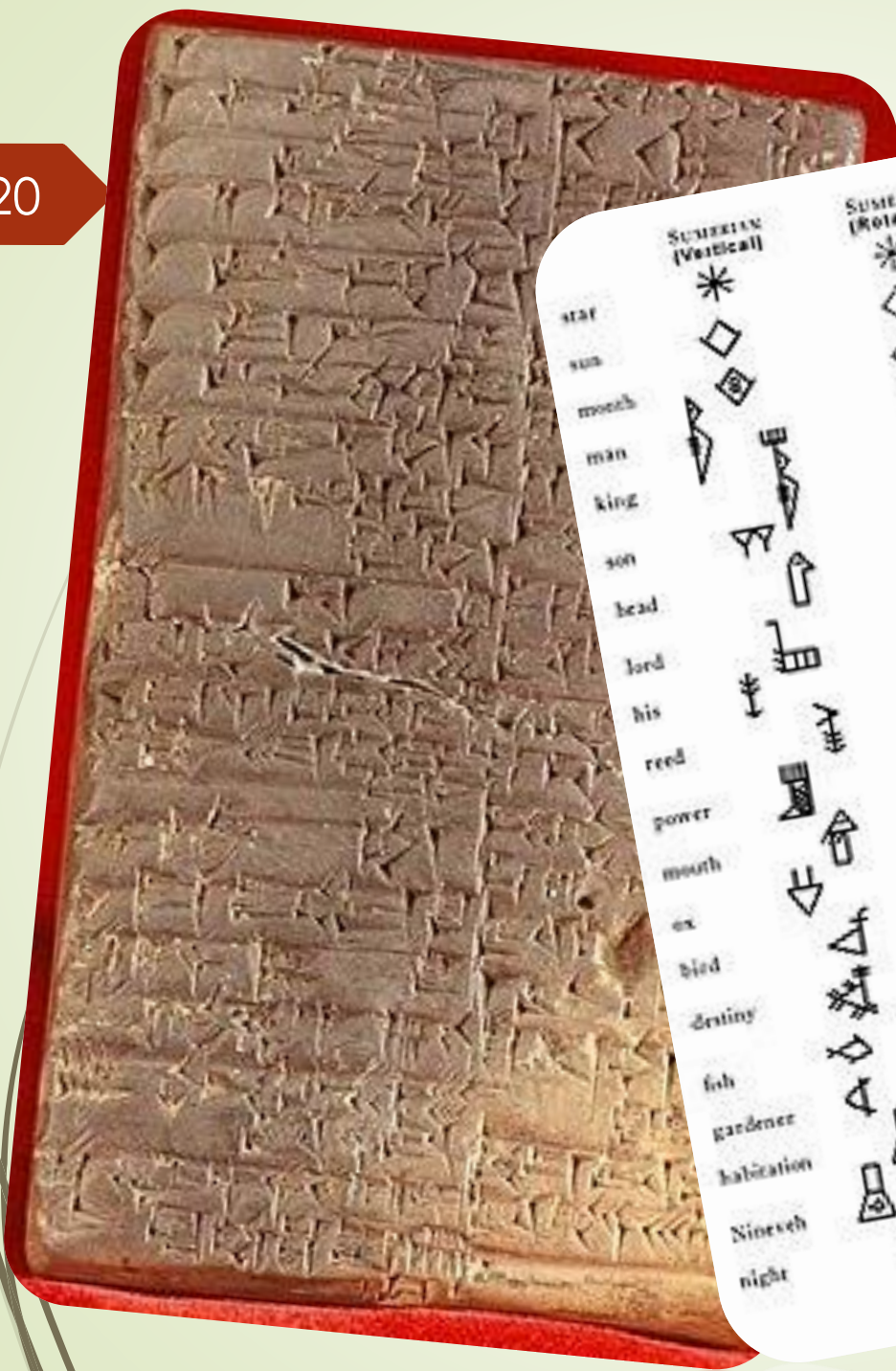
در این اثنا مرزبان **واساک سیونی** که از سوی وارطان به فرماندهی یکی از سه سپاه ارمنیان برگزیده شده بود تغییر عقیده داده، جنگ با یزدگرد را کاری نسنجیده ارزیابی میکند و اعلام میدارد در شرایطی که دولت بیزانس از همکاری با ارمنیان خودداری کرده و ناخارارهای تحت تسلط بیزانس نیز حاضر به مداخله نیستند، جنگیدن با ارتش بزرگ یزدگرد به نتیجه ئی نخواهد رسید. آنگاه وی از یک طرف دربار ساسانی را نصیحت میکند که دست از دیکتاتوری بردارد و از طرف دیگر قیام کنندگان را از درگیری شدن با سپاهیان ساسانی بر حذر میدارد.

نوشتاری واژه-هجانگار است که برای نوشتن حداقل پانزده زبان خاور نزدیک باستان استفاده می‌شده‌است. این خط از اوایل عصر برنز تا ابتدای دوران مشترک پیوسته استفاده می‌شده‌است. [۵] (نامگذاری آن در انگلیسی به خاطر نشان‌های گوه-مانند (لاتین: **cuneus**) است که نویسه‌های آن را تشکیل می‌دهند) خط میخی در اصل برای نگارش زبان سومری در جنوب بین‌النهرین (عراق امروزی) شکل گرفت. همراه با هیروگلیف مصری یکی از نخستین سیستم‌های نوشتاری است.

خط میخی انواع گوناگونی دارد که برای نوشتن در زبان‌های مختلف به کار می‌روند. از گونه‌های خط میخی می‌توان به میخی پارسی باستان، و در ابعاد کهن تر و قدیمی تر به آشوری، سومری، اکدی، ایلامی، بابلی و اوگاریتی اشاره کرد.

همه خطوط میخی که تاکنون رمزگشایی شده‌اند از چپ به راست نوشته می‌شوند. این نوع خط که برخی باور دارند پایه ی اندیشه‌نگار دارد، در همه کشورهای آسیای غربی به کار می‌رفته‌است. پژوهشگران، سومریان را مبدع خط میخی می‌دانند.

خط میخی هخامنشی که دارای ۵۰ نشانه‌است، جدیدترین گونه ی خط میخی است که در سده ی ششم پیش از میلاد مسیح ساخته شده‌است. این خط برای نوشتن گتیبه‌های هخامنشی به کار رفته‌است. خط میخی هخامنشی، خطی نیمه الفبایی، نیمه هجایی است افزون بر ۸ نشانه (ایدئوگرام) که برای واژگان پر کاربرد مانند شاه، کشور و اهورامزدا به کار می‌روند. این خط ساده‌ترین نوع خطوط میخی پس از خط میخی اوگاریتی است. و تماماً الفبایی است. این خط هم‌اکنون در استاندارد (Unicode) ۴٫۱ پذیرفته شده و بازه‌ای به آن اختصاص داده شده‌است.



	SUMERIAN (Vertical)	SUMERIAN (Rotated)	EARLY BABYLONIAN	LATE BABYLONIAN	ASSYRIAN
star					
sun					
mouth					
man					
king					
son					
head					
lord					
his					
reed					
power					
mouth					
ox					
bird					
destiny					
fish					
gardener					
habitation					
Ninsch					
night					

هر چند چهارچوب آوایی و لغوی و نحوی زبان در کل همان سبک خراسانی است، اما تغییر بسامد و از بین رفتن برخی از آنها (مخصوصاً در سطح آوایی) به نحوی است که رد ارزیابی دقیق تر، طلیعه زبانی نوینی را نشان می دهد. چنان که در کلیات سبک شناسی مطرح شد شمس قیس رازی ادیب اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم به پاره یی از مختصات شعر کهن سبک خراسانی معترض است و استعمال آنها را غلط می داند و شاعران را از تقلید قدما بر حذر می دارد و به بکار بردن زبان رایج توصیه میکند و پس از برشمردن برخی از ویژگی های زبانی شعر کهن سبک خراسانی که آن ها را خطاهای لفظی می نامد می نویسد: "و امثال این بسیار است، شاعر دری گوی باید که در این ابواب تقلید قدما نکند و در آن چه گوید از جاده دری مشهور و متداول عدول جایز نشمرد".

برخی از ایرادات او:

- ۱- آوردن الف اشباع: هرگیزا
- ۲- بلند کردن مصوت های کوتاه: سخون
- ۳- استعمال ابا و ابی و ابر
- ۴- مشدد کردن مخفف: عمر خیام
- ۵- مخفف کردن مشدد: ابوالعباس (بی تشدید)
- ۶- حذف حروف: گرم به جای گیرم
- ۷- تغییر شکل کلمات و ابدال: نیلوفل
- ۸- استعمال کجا به معنی حرف صله که "مستعمل قدماست"

سطح فکری:

- ۱- اشاره به جزئیات علوم مختلف از قبیل نجوم و طب و تفسیر و فقه. اشاره به این علوم در شعر دوره غزنوی و سامانی هم هست.

مراسم اختتامیه المپیک پاریس: کدام ستاره‌ها اجرا خواهند کرد؟



نگارش از یورونیوز فارسی
تاریخ انتشار ۲۰۲۴/۰۸/۰۷ - ۲۱:۳۰ + ۲ گرینویچ
هم‌رسانی این مطلب
نظرها

با نزدیک شدن به روزهای پایانی المپیک ۲۰۲۴، شایعات درباره حضور ستاره‌های معروف دنیای موسیقی و سینما در مراسم اختتامیه به اوج خود رسیده است. «فونیکس»، «تیلور سوئیفت»، «تام کروز» و «لئوناردو دی کاپریو» از جمله کسانی هستند که نامشان مطرح شده است. این مراسم روز یکشنبه ۱۱ اوت (۲۱ مرداد) برگزار خواهد شد.

مراسم افتتاحیه پاریس رویدادی پرستاره با اجراهای خیره‌کننده و در برخی موارد بحث‌برانگیز بود. سلین دیون، ستاره دنیای موسیقی پس از چهار سال، در مراسم افتتاحیه المپیک پاریس به صحنه بازگشت. حالا با نزدیک شدن به روزهای پایانی المپیک پاریس، همه چشم‌ها به مراسم اختتامیه دوخته شده و گمانه‌زنی‌ها در مورد حاضرین در این مراسم به اوج خود رسیده است.

بر اساس گزارش‌های منتشر شده در روزنامه فرانسوی «پاریزین»، توماس جولی در حال آماده‌سازی نمایش پایانی این رویداد بین‌المللی است و گمانه‌زنی‌هایی درباره اجرای دو گروه مشهور فرانسوی به نام «فونیکس» برنده جایزه گرمی و گروه الکترونیکی «ایر» که اولین آلبوم موسیقی خود را در سال ۱۹۹۸ منتشر کردند، وجود دارد.

مراسم اختتامیه که قرار است با عنوان «رکوردها» برگزار شود، ظاهراً دو ساعت طول می‌کشد و در ورزشگاه «استاد دو فرانس» برگزار می‌شود.

آملی اودا کاسترا، وزیر ورزش فرانسه، به رادیو «فرانس اینفو» گفت «اطمینان کامل دارد» که جولی و تیمش بار دیگر «جهان را خیره خواهند کرد».



از سوی دیگر شایعاتی درباره حضور «اسنوپ داگ» و «تیلور سوئیفت» نیز در این مراسم مطرح شده است.

خانم سوئیفت، خواننده مشهور آمریکایی یکی از هنرمندانی است که در ویدیوهای حمایتی از ورزشکاران ایالات متحده، حضور پررنگی داشته است. او گفته است که می‌تواند برای اجرای روز یکشنبه از وین خود را به مراسم برساند. او در حال حاضر در تور جهانی «دوره‌ها» به سر می‌برد.

گرتا گروینگ، کارگردان فیلم «باربی»، میشل یئو، رایان گاسلینگ و اوا مندس از دیگر ستارگانی هستند که این روزها در پاریس دیده شده‌اند. علاوه بر این شایعات قوی درباره حضور لئوناردو دی کاپریو نیز در این مراسم وجود دارد.

هرچند کمیته المپیک فرانسه اطلاعات زیادی درباره مراسم اختتامیه منتشر نکرده اما آنها فاش کردند که ورزشگاه «استاد دو فرانس» به یک سالن کنسرت عظیم و باشکوه تبدیل خواهد شد که صدها نوازنده، رقصنده و هنرمند بدلکار در کنار شخصیت‌های معروف برنامه اجرا خواهند کرد.

نام کروز هنگام حضور در دور مقدماتی ژیمناستیک هنری زنان در بازی‌های المپیک تابستانی ۲۰۲۴

یکی از اطلاعات تایید شده حضور تام کروز در مراسم اختتامیه است. همانطور که قبلاً گزارش شده بود، ستاره ۶۲ ساله «ماموریت غیرممکن» ظاهراً در یک ویدیوی از پیش تولید شده شرکت خواهد کرد. ظاهراً قرار است او در بخشی از این ویدئو از پشت بام ورزشگاه «استاد دو فرانس» به پایین بیفتد. به گزارش **TMZ**، در این ویدیو تام کروز در خیابان‌های پاریس با موتورسیکلت و سپس در هواپیمایی به سوی کالیفرنیا با پرچم المپیک ادامه می‌یابد، و در انتها به تپه معروف هالیوود می‌رسد.

این بازیگر معروف آمریکایی بارها در طول بازی‌ها، از جمله در مسابقات مقدماتی ژیمناستیک زنان و همچنین مسابقات شنا، در پاریس دیده شده بود و از پیش شایعاتی درباره حضور او در این مراسم مطرح شده بود.



« من »

درخت را برای سایه‌اش
درخت را برای میوه‌اش
درخت را برای شاخه و برگش
درخت را برای...

نه،

درخت را برای بودنش دوست می‌دارم
چه سبز
چه زرد
چه بی‌برگ

بابک قبادی

« طلوع »

روشنایی روز
یا

تاریکی شب
چه فرقی می‌کند
برای شهری که
قرنهاست به خواب رفته ؟

Даниил Хармс Периферация

27

мы открыли наш приют
всех желавших скрипеть
и все на улице поют
во дворах которые смотреть.
Встала точка места фи
остановка выражений.
мыслей вспучаных сражений
оборвали разом Ли
те артисточки смеясь
нам кивали четвергом
но воскликнул сторож: князь
обращаясь так в меня
он присел и наклонясь
Эм пропел меня веселя
а я потребовал принести киселя.

все

2 марта 1930

Il mare



Sorridi donna
sorridi sempre alla vita
anche se lei non ti sorride.
Sorridi agli amori finiti
sorridi ai tuoi dolori
sorridi comunque.
Il tuo sorriso sarà
luce per il tuo cammino
faro per naviganti sperduti.
Il tuo sorriso sarà
un bacio di mamma,
un battito d'ali,
un raggio di sole per tutti.

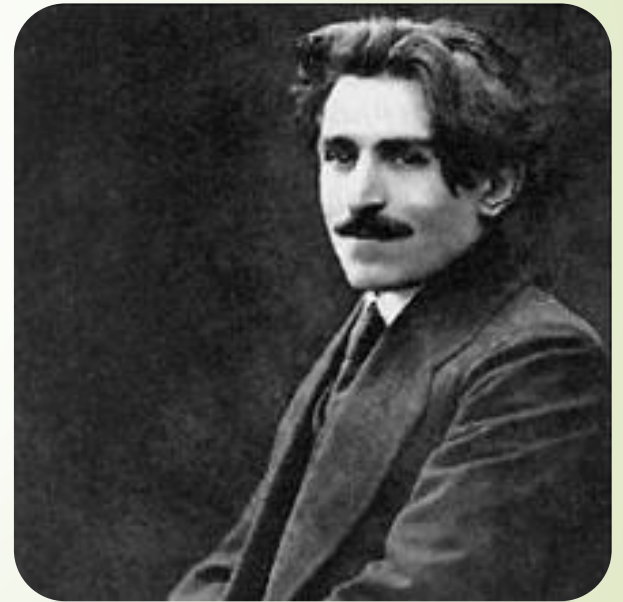
Alda Merini



Վահան Տերյան

«Ես սիրում եմ քո մեղավոր աչքերը խոր»

Ես սիրում եմ քո մեղավոր աչքերը խոր,
 Գիշերվա պես խորհրդավոր.
 Քո մեղավոր, խորհրդավոր աչքերը մութ,
 Որպես թովիչ իրիկնամուտ:
 Քո աչքերի անձայր ծովում մեղքն է դողում,
 Որպես գարնան մթնշաղում:
 Քո աչքերում կա մի քնքուշ բախտի վերհուշ,
 Արբեցումի ոսկե մշուշ:
 Մոլորվածին անխոս կանչող փարոսի շող,
 Քո աչքերը հոգի տանջող:
 Ես սիրում եմ զգվող-անգութ աչքերըդ մութ,
 Որպես գարնան իրիկնամուտ:



I'm nobody! Who are you?
by Emily Dickinson

**I'm nobody! Who are you?
Are you nobody, too?
Then there's a pair of us — don't tell!
They'd banish us, you know.
How dreary to be somebody!
How public, like a frog
To tell your name the livelong day
To an admiring bog!**



قصه پرغصه بناهای آلمان شرقی؛ برلین با کاخ ویران کمونیسم و یادگارهای بروتالیسم و اشتازی چه می‌کند؟

31



هر بنا قصه‌ای دارد و قصه برخی بناها در بعضی شهرها، روایت رسمی سردی است که در وقت انتقال به مخاطب، ناراحت‌کننده می‌شود. مانند ساختمان کاخ جمهوری در آلمان شرقی پیشین که مقر پارلمان بود و در سال ۲۰۰۸ تخریب شد.

این کاخ علاوه بر پارلمان جمهوری دموکراتیک آلمان، میزبان یک خانه فرهنگ همگانی هم بود. همین پارلمان بود که دو دهه پس از فروپاشی دیوار برلین، به طور رسمی به حاکمیت رژیم سوسیالیستی آلمان شرقی پایان داد و نماد این پایان، پاک‌سازی یکی از اصلی‌ترین نمادهای آلمان شرقی در چشم‌انداز شهری برلین بود. ساختمانی که به همان اندازه که دوست‌داشتنی بود، منفور هم بود.

آن ساختمان که تخریب شد اما هرگز فراموش نشد، بین سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۶ در مرکز برلین ساخته شد تا محل مجلس مردمی یا «فولکس‌کامر» باشد، مجلسی که اختیارات بسیار محدودی داشت. در آنجا همچنین یک میدان و یک مرکز اجتماعی و تفریحی برگ بر اساس نمونه «کاخ فرهنگ» در پایتخت کشورهای کمونیستی با پرده آهنین مانند پراگ، ورشو و صوفیه مدل‌سازی شده بود.

آن سایت دارای ۱۳ بار و رستوران، یک سینما و تئاتر، یک سالن نمایش، یک دفتر پست، یک سالن بولینگ و دو زمین رقص بود. پس از اتحاد مجدد آلمان، این مرکز عظیم به دلیل آلودگی به آزبست، به روی عموم بسته شد و تنها پوسته‌ای از آن باقی ماند.

در سال ۲۰۰۴ دوباره بازگشایی شد، هم سم آزبست و هم از سم سیاست نجات یافت و به یک صحنه بزرگ برای کنسرت‌ها و نمایشگاه‌های هنری بدل شد. آن زمان برلین هنوز در چشم‌انداز اروپایی یک استثنا بود، شهری آزاد، ارزان و خالی از گردشگران کم‌خرج. نشان جمهوری دموکراتیک آلمان برداشته شد و جای آن را یک سازه هنری با کلمه «تردید» (به آلمانی: **Zweifel**) با حروف بزرگ در بالای ورودی اصلی گرفت، نماد شهری که برای آینده‌اش در برابر دوراهی ایستاده بود.

نابودی آن ساختمان در عین حال جذاب و شوم در سال ۲۰۰۶ اعلام شد. پس از یک بحث طولانی، یک کمیته ۱۵ نفره از کارشناسان با هشت رأی موافق و هفت رأی مخالف تصمیم به تخریب آن گرفت. دو سال بعد، تنها خرابه‌ای از آن باقی ماند. در نزدیکی آن، فروشندگان خیابانی ماتریوشکا، کلاه‌های نظامی و سایر یادگاری‌های دوران کمونیستی یا نمادهای «اوستالگی» (نوستالژی شرق) را می‌فروختند.

برخی در این تخریب گونه‌ای رهایی نهایی از یک رژیم اقتدارگرا و نامشروع دیدند. دیگران آن را به عنوان یک پاک‌سازی رسمی از جمهوری دموکراتیک آلمان و دستاوردهای آن مانند سیاست‌های تحرک اجتماعی و عدالت پلیسی و انکار وجود افرادی که در آن سوی مرز زندگی می‌کردند، یا بخشی از عملیاتی دیدند که برای بایگانی کردن تاریک‌ترین فصل‌های قرن بیستم در شهر برلین انجام می‌شد.

جنگال بر سر تخریب زمانی شدت گرفت که در محل کاخ جمهوری، کاخ برلین، اقامتگاه رسمی سلسله هوهنزولرن بین سال‌های ۱۴۴۳ و ۱۹۱۸، بازسازی شد. این کاخ که در طول جنگ جهانی دوم آسیب دیده بود، در سال ۱۹۵۱ توسط جمهوری دموکراتیک آلمان تخریب شد زیرا آلمان شرقی می‌خواست روایت خود را بر چشم‌انداز برلین تحمیل کند.

کاخ قدیمی که در یک نسخه مدرن‌شده و نمونه‌ای از باروک متأخر بازسازی شد، بخشی از نمای جدید نوخردگرایانه است صنعتگران آلمانی که به معماری دوران گذشته علاقه داشتند در آن سرمایه‌گذاری کردند. از این پروژه یک مرکز فرهنگی جدید پدید آمد که در سال ۲۰۲۰ به عنوان «مجمع هومبولت» افتتاح شد و مجموعه‌های موزه قوم‌شناسی و موزه هنر آسیایی و غیر اروپایی را به نمایش می‌گذارد. پروژه‌ای که ممکن است در این دوره استعمارزدایی نادرست به نظر برسد زیرا غنایم امپراتوری در همان محلی قرار گرفته که قیصر ویلهلم دوم دستور نسل‌کشی در مستعمراتش را صادر کرده بود. انجمن هومبولت حتی قبل از افتتاح مجبور شد بازگرداندن برنزه‌های بنین را که در اختیارش بود به نیجریه اعلام کند و به این ترتیب اتاقی که برای نمایش آن‌ها در نظر گرفته شده بود خالی ماند.

همسر رهبر پیشین آلمان شرقی در گذشت
 ماجرای بوسه معروف رهبران اتحاد جماهیر شوروی سابق و آلمان شرقی چه بود؟
 هنر ناراضیان آلمان شرقی در نمایشگاه «صداهاى مخالف»

با این حال، این پروژه عجیب و غریب، که در فضایی با حال و هوای یک مرکز خرید ایجاد شده است، برخلاف تمام انتظارات به مکانی معنادار تبدیل شده است. بنا بر این بوده که تاریخ نامناسب خود را پنهان نکند و با شفافیت به آن اعتراف کند. آخرین حرکت در این پروژه نیز ادای احترام به ساختمان زبره و خشنی بود که باید ناپدید می‌شد تا جا برای این کاخ امپراتوری ناقص باز شود.

نمایشگاه جدیدی که تا فوریه ۲۰۲۵ در مجمع هومبولت برگزار می‌شود، تاریخ کاخ جمهوری را از طریق ۳۰۰ شیء، از ظروف رستوران گرفته تا آثار هنری برای تزئین محوطه، با جدیت علمی و بدون پرداختن زیاد به نوستالژی به نمایش می‌گذارد. این نمایشگاه همچنین شامل ۵۰ مصاحبه با شهروندان جمهوری دموکراتیک آلمان است که این ساختمان را مدیریت کرده، در آن کار کرده یا از آن بازدید داشته‌اند.

در مقطعی خود مدیر موزه، هارتموت دورگرلوه، که در جمهوری دموکراتیک آلمان بزرگ شده است، مخالف تخریب کاخ جمهوری بود. امروز، او به نفع تبدیل آن به مکانی برای یادآوری است. او از دفتر خود در قلب برلین می‌گوید: «این دوره نشان می‌دهد که شما می‌توانید یک ساختمان را تخریب کنید، اما نمی‌توانید خاطرات مردم را پاک کنید. ما می‌توانیم تخریب آن را به عنوان نشانه‌ای از تحقیر زندگی شهروندان جمهوری دموکراتیک آلمان تفسیر کنیم، اما این نماد پیروزی غرب بر شرق نبود. هدف این بود که زخم‌های گذشته را التیام بخشیم. در آن زمان، کسی درباره پایداری یا حافظه شهری صحبت نمی‌کرد. حساسیت به این مسائل تکامل یافته است. امروز، چنین چیزی دیگر اتفاق نمی‌افتد.»

ترجمه متن "اکوفمینیسم چه پرسشی را مطرح میکند"؟ به زبان فرانسه با قلم خانم مهکامه اجتماعی فرد. (بخش اول)

35

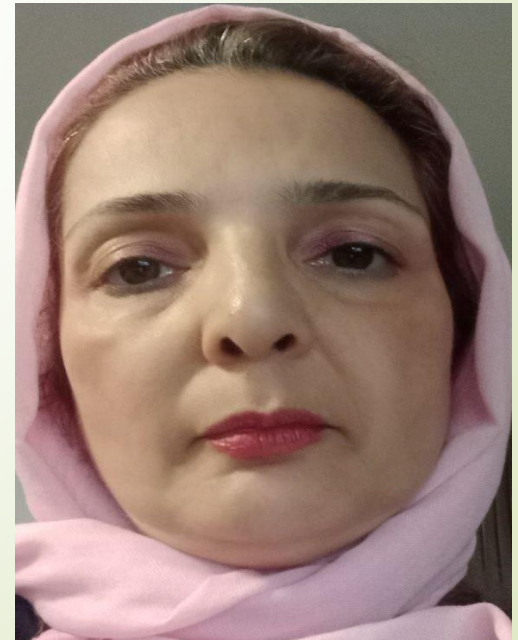
L'écoféminisme a posé la question de la relation des femmes à la biologie et à la nature. Mais cette fois, au lieu de rejeter ce lien, certaines écoféministes ont accepté qu'un tel lien puisse exister. Il va sans dire que ce sujet était controversé. Ainsi, les écoféministes sont allées plus loin et ont déclaré que l'existence d'une relation particulière entre les femmes et la nature peut être une caractéristique positive et unique du féminisme à une époque qui menace l'environnement mondial de nombreux dommages et dangers. Est-ce que cela signifie-t-il que les femmes s'intéressent particulièrement à l'environnementalisme ? Si oui, les écologistes ont-ils aussi un intérêt spécial pour le patriarcat ? Cela peut paraître vrai, mais les preuves ne sont pas encore claires.

Les femmes semblent avoir une plus grande présence dans les formes locales et populaires d'environnementalisme que dans la politique dominante. Mais apparemment, parmi les groupes environnementaux existants, elles ne sont pas majoritaires. (Blacker et Ekberg, 1997).

L'écoféminisme comprend des éléments d'idées et de pratiques très différents, notamment l'écoféminisme libéral, l'écoféminisme social, l'écoféminisme social, l'écoféminisme culturel et l'écoféminisme du tiers-monde (Merchant 1992).

Cependant, l'un des aspects notables de certaines politiques de l'écoféminisme est que les femmes ont une relation spéciale et nécessaire avec la nature qui peut leur donner une connaissance unique de l'environnement naturel. Si cela est vrai, nous devrions nous attendre à ce que les femmes jouent un rôle plus important dans l'environnementalisme que dans la politique syndicale, libérale ou conservatrice. Il est de plus en plus facile pour les femmes de jouer un rôle particulier dans le développement et l'expansion de leur soi écologique. Avoir un fort sentiment de connexion avec la nature était le thème principal des discours des principales théoriciennes de l'écoféminisme telles que Susan Griffin.

مهکامه اجتماعی فرد مترجم
زبانهای انگلیسی و فرانسه



بنابراین ادبیات به عنوان بیان ویژگی‌های جامعه تلقی می‌شود. رابطه ادبیات و جامعه دو سویه است. ادبیات جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تحت تأثیر جامعه هم قرار می‌گیرد. جامعه مواد خام را در اختیار نویسندگان قرار می‌دهد، اما مواد خام، همان نوع آثار ادبی را تولید نمی‌کند. در واقع ماهیت فرم و سبک ادبی به جهان‌بینی و خلاقیت نویسنده بستگی دارد. ضمن این که در این باره محیط جغرافیایی و تحولات علمی نیز به نوعی بر ادبیات تأثیر گذاشته و شکل و منش آن را تعیین می‌کند. محیط جغرافیایی تصاویری و اختراعات علمی مدرن که به شدت کل ساختار اجتماعی را تغییر داده در ساختار ادبیات روز در رمان‌ها، اشعار و ... منعکس می‌شوند. به عنوان مثال، جنبش رنسانس روند انسان‌گرایانه را در ادبیات پدیدار، یا انقلاب صنعتی در عصر مدرن، ادبیات را بیشتر به سمت ماتریالیسم متمایل کرد. از آنجایی که اثر ادبی حاصل کل ساختار اجتماعی و نیروهای اجتماعی است، نمی‌توان آن را از جامعه حذف کرد. بنابراین، هرگونه تلاش برای تحلیل و تفسیر ادبیات به دور از جامعه و زندگی، نگاهی دقیق نخواهد بود.

آیا ادبیات هم نوعی جامعه شناسی است؟

آیا می‌توان نتیجه گرفت که خوانندگان و مخاطبان داستان‌ها یا رمان‌ها، و اشعار و ... به نوعی حتی غیرمستقیم در حال خواندن جامعه‌شناسی هستند؟ آیا عکس این هم صادق است یعنی خوانندگان جامعه‌شناسی در حال مطالعه ادبیات جامعه‌شان هستند؟

از یک دیدگاهی پاسخ به پرسش شما بله است. حتی وقتی ما ادبیات (منظورم از ادبیات شامل تمامی نوشته‌هایی است که به صورت داستان یا رمان یا نثر و یا نظم باشد) تنهایی هم می‌خوانیم باز جامعه‌شناسی می‌خوانیم. به طور کلی معتقدم که یک نویسنده باید و حتماً (تأکید بسیار دارم) جامعه‌شناسی را خوب بداند.



آبانی
محمد

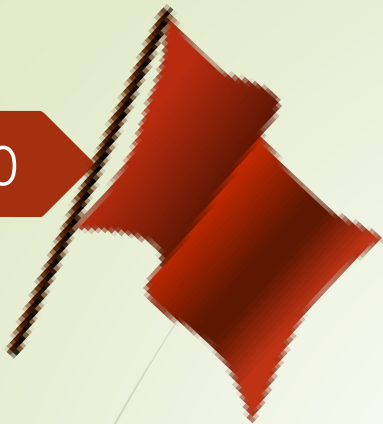
در مناطقی از آفریقا که پوست و شاخ جانوران فراوان است، سازها اغلب از این مواد ساخته میشوند. برای مثال، خاندان سلطنتی و برخی از بزرگان قوم آنیوچا ایبو (ایگبو) در نیجریه طبل هایی که پوست جانوران بر آن ها کشیده شده، و سازهایی هواصدا (بادی) از جنس عاج فیل را به کار می برند. جایی که مواد خام کمیاب باشد، مثلاً در بیابان های استرالیا، ممکن است تنوع سازها نیز کم شود.

گذشته از سبک موسیقایی و شرایط اقلیمی، باورهای مذهبی نیز میتوانند نوع، و جنس سازها موثر باشد. در تبت شیپور و طبل را از استخوان و جمجمه مجرمان مرده می سازند تا شیاطین را آرام کنند. سازها اغلب کارکردهای نمادین دارند و با خدایان و الهه هایی معین مرتبطند. چنین سازهایی ممکن است به شکل پرنده، ماهی، دیگر جانوران، یا اژده ها ساخته شوند.

ملودی، بافت و ریتم:

در اغلب موسیقی های خاور دور، خاور نزدیک، و شمال آفریقا نه هارمونی، یا چند صدایی بلکه ملودی و ریتم اهمیت دارد. بافت موسیقی این فرهنگ ها اغلب تک صدا، متشکل از یک ملودی بدون همراهی، یا ملودی ، به همراهی ساز کوبه ای است. در هند و خاور نزدیک خط ملودی در بسیاری موارد با یک زمینه نوا، که یک یا چند نغمه را در سراسر قطعه برقرار نگه می دارد، همراهی میشود. موسیقی بسیاری مناطق جهان - مانند شمال آفریقا، خا.ر میانه، شرق و جنوب شرق آسیا - بافتی دارد که از همزمانی چند دگره ی ریتمیک و تزئین شده یک ملودی اصلی به وجود می آید.





یوجین دبز و نورمن تامس که هر دو نامزدهای ریاست جمهوری ایالات متحده از حزب سوسیالیست ایالات متحده آمریکا بودند، سوسیالیسم را نظامی اقتصادی فهم می‌کردند که ساختار آن بر مبنای تولید برای مصرف و مالکیت اجتماعی و نظام سودبر به جای مالکیت خصوصی ابزار تولید است.

ایدئولوژی سیاسی مدافع یک نظام سیاسی دمکراتیک در کنار یک نظام اقتصادی سوسیالیستی است، که شامل ترکیبی از دمکراسی سیاسی (معمولاً دمکراسی چند حزبی) با مالکیت اجتماعی ابزارهای تولید است. صفت «دمکراتیک» گرچه گاهی به عنوان مترادف «سوسیالیسم» به کار می‌رود، گاهی به منظور متمایز کردن آن از شیوه‌های غیر دمکراتیک سوسیالیسم نظیر برند مارکسیسم-لنینیسم سوسیالیسم به کار می‌رود.

علم اقتصاد

سوسیالیست‌های دمکراتیک گستره‌ای از مدل‌های متفاوت سوسیالیسم و اقتصاد سوسیالیستی، از سوسیالیسم بازار که در آن بنگاه در مالکیت اجتماعی در بازارهای رقابتی شرکت می‌کند و نیروی کار آن خودمدیریتی اعمال می‌کند تا اقتصاد مشارکتی غیر بازاری مبتنی بر اقتصاد برنامه‌ریزی شده نامتمرکز را ترویج کرده‌اند. سوسیالیسم دمکراتیک همچنین به گونه نامتمرکز اقتصاد برنامه‌ریزی که در آن واحدهای تولیدی به صورت یک سازمان واحد یکپارچه در می‌آیند و بر مبنای خودمدیریتی سازماندهی می‌شوند.

این شکل از اقتصاد دستوری موید نوعی فرایند تصمیم سازی دمکراتیک و مشارکتی درون اقتصاد و درون خود شرکت‌ها به فرم دموکراسی صنعتی بود. گونه‌های کامپیوتری اقتصاد دستوری دمکراتیک و هماهنگ سازی بین بنگاه‌های اقتصادی هم از سوی عالمان علوم رایانه و اقتصاددانان رادیکال مختلف پیشنهاد شده‌است. حامیان اقتصاد دستوری دمکراتیک یا نامتمرکز و مشارکتی را به عنوان جایگزینی برای سوسیالیسم بازار برای یک جامعه پسا سرمایه داری معرفی می‌کنند.

سوسیالیست‌های دمکراتیک و حامیان معاصر سوسیالیسم بازار استدلال کرده‌اند که دلیل اصلی ناکامی‌های اقتصادی اقتصادهای مدل شوروی اقتصادهای دستوری بوده نه خود سوسیالیسم. نظام اداری-دستوری آنها باعث ناکامی آنها برای ایجاد مقررات و معیارهای عملیاتی برای عملیات کارای بنگاه‌های دولتی در تخصیص سلسله مراتبی منابع و کالاهایشان و نبود دمکراسی در نظام‌های سیاسی که اقتصادهای مدل شوروی با آنها ترکیب شده بود، بوده‌است.

برنامه ریزی دمکراتیک

یک اقتصاد دستوری دمکراتیک به عنوان مبنای سوسیالیسم پیشنهاد شده و به کرات از سوی سوسیالیست‌های دمکراتیکی که حامی یک شکل غیربازاری سوسیالیسم اند و در عین حال مدل برنامه ریزی اقتصادی شوروی را رد می‌کنند دفاع شده‌است.

استدلال شده که برنامه ریزی نامتمرکز اجازه می‌دهد یک نظام خودتنظیم گر آنی از کنترل سهام (تنها متکی بر **calculation in kind** بوجود آید و به طور قاطعی بر اعتراضات طرح شده توسط مباحثه محاسبه سوسیالیستی که هر اقتصاد بزرگ مقیاسی حتماً باید به یک نظام قیمت‌های بازار متوسل شود فائق آید.

در آغاز، سینما را بیشتر یک پدیده علمی صنعتی می‌دانستند. در سال‌های جنگ جهانی اول، سینما به عنوان یک وسیله نمایشی و سرگرمی، رونق تجاری یافت؛ سپس قابلیت‌های هنری آن توسط فیلم‌سازان اروپایی و آمریکایی کشف شد. در همین سال‌ها ریچوتو کانودو، منتقد و نظریه‌پرداز ایتالیایی، سینما را «هنر هفتم» معرفی کرد؛ زیرا به عقیده او سینما هنری ترکیبی است که در آن، همه هنرها حضور دارند. سینما به معنی ثبت حرکات است و همان‌طور که در مباحث قبل بیان شد، پیدایش تصویر متحرک در نتیجهٔ تکامل تکنولوژی ابزارهای عکاسی بود؛ به همین سبب، شیوهٔ ضبط تصویر (فیلمبرداری) آن، عکس‌برداری پشت سر هم، البته با فواصل زمانی ثابت و متوالی است. هیچ هنری به استثنای رسانهٔ تلویزیون، نتوانسته از لحاظ محبوبیت، فراگیری و نیروی تأثیر بر عواطف و افکار مخاطب، با سینما رقابت کند؛

به همین دلایل و همچنین به آن علت که سینما به صنعت فن و ابزارهای فنی اتکای زیادی دارد، آن را «هنر قرن بیستم» نامیده‌اند. منشأ اصطلاح سینماتوگرافی واژه‌ای یونانی (کینه ما) به معنای حرکت است. سینماتوگرافی به معنای «حرکت‌نگاری» یا فن ضبط حرکت است. تاریخ تکامل و تحول سینما را به‌طور کلی می‌توان به سه دورهٔ عمده (با تأکید بر فنون و تکنیک‌های سینمایی) تقسیم کرد:

- ۱- دوره‌ی سینمای صامت؛ در سال ۱۸۹۵
- ۲- دوره سینمای صامت آغاز شد. این دوره به زمان سینمایی بدون صدا و ساخت فیلم سیاه و سفید مربوط می‌شود.
- ۳- دوره سینمای ناطق؛ در سال ۱۹۲۷ (اکتبر ۱۹۲۷، فیلم خواننده جاز) عصر فیلم صدادار آغاز شد و عامل صدا، عملاً سینما را به صورت یک هنر سمعی-بصری درآورد.
- ۴- دوره سینمای رنگی؛ از اواخر دهه ۱۹۳۰ میلادی اختراع فیلم رنگی آغاز شد. دوره سینمای دیجیتال.

داستانی کوتاه از مهربانو سیده زهره مقیمی (نوسینده) بخش پنجم

43

- بگو!

- قبلنا خوش اخلاقتر بودی!

- اون برای قبلنا بود.

- خانمم نباید از دست من دلخور باشه!

- مگه برات فرقی میکنه؟

- شک نکن که فرق میکنه!

- یه جایی رزو کن شب با هم بریم بیرون! ببخشید خسته بودم نمیخواستم ناراحت کنم.

- اشکالی نداره پیش میاد

- عه راستی یه چیزی بگم؟

دختر همسایه بالای همون آزاده!

- خب!

- یه ماشین قسطی خریده بوده بنده خدا دوروز بوده خریده.

- خب!

- هیچی دیگه دزد برده.

مادرش بندهی خدا خیلی ناراحت بود.

- انشالله پیدا میشه

پیرزن هر روزی باز هم پیدایش شد و جلوی ساختمان مثل هر روز ایستاد.

-لیلا من برم دوباره بهت زنگ میزنم فعلا خداحافظ!

نگاهش کردم. زوم کرده روی ساختمان در حال ساخت. مانده بودم که چرا! بالاخره تصمیم خودم را گرفتم. از همون طبقه‌ی بالا به پارسا گفتم:

-به اون خانم بگو چند لحظه بایسته من باهاش کار دارم!

پیرزن وقتی درخواست من را از پارسا شنید، آرام به سمت دیوار رفت و تکیه داد.

-سلام مادر جان خوبین شما؟ من میتونم کمکتون کنم؟

-نه نیازی به کمک ندارم یه دونه نونه دیگه خودم میبرم؛ ولی جوون یه چیزی بهت بگم؟

-بله بفرمایید!

-بین پسر من هر روز از اینجا رد میشم چند بار دنبال صاحب این ملک گشتم پیداش نکردم.

-بیا...! بیا...! بیا اینجا که من هستم ساختمون رو نگاه کن!

-رفتم آن طرف پیاده رو و به پروژه خیره شدم.

-خب مادر جان مشکل چیه؟

-یعنی نمیبینی دیوار این طرف ساختمون کج؟ دیروز دیدم مامورای شهرداری اومدن

پیگیری کنند ولی رفتند فکر کنم صاحب

ملک خیلی پولداره دهن همشون رو بسته.

من مبهوت مانده بودم که چه بگویم! پیرزن هر روز از شیب کوچه عبور میکرده و تصورش

این بوده که دیوار کج است.

ناگهان فکری به ذهنم رسید.

زمینه و هدف: رفتارهای سلامت دهان و دندان در کودکان ۰-۶ سال به دلیل پیامدهای آن بر سلامت بسیار اهمیت دارد. مطالعه حاضر با هدف ارزیابی نوع و میزان موفقیت مداخلات ارتقاء سلامت دهان در کودکان ۰-۶ سال انجام شده است. مواد و روشها: این مطالعه بصورت یک مقاله مروری (**Scoping**) انجام شده است. در این راستا مقالات مرتبط در پایگاه‌های اطلاعاتی **ProQuest, PubMed, Biomed Central, Google Scholar** و پایگاه‌های علمی داخل کشور مانند **SID** و **Magiran** محدود به زبان انگلیسی و فارسی، همچنین با محدودیت زمانی از سال ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۱۸ با استفاده از کلمات کلیدی فارسی (سلامت دهان کودکان ۰-۶ سال، دانش سلامت دهان، ارتقاء سلامت دهان، برنامه سلامت دهان) و انگلیسی (**Oral health promotion, Program, Knowledge**) انجام شده است. در نهایت این مطالعه با بررسی ۲۳ مقاله منتشر شده داخل و خارج از کشور در زمینه ارتقاء سلامت دهان و دندان کودکان ۰-۶ سال انجام گرفت. یافتهها: در کل تعداد ۷۹۰۴ مقاله و از بین آن‌ها ۲۳ مقاله انتخاب شده که مطالعات تجربی، نیمه تجربی بودند. مداخلات به صورت برنامه‌های آموزشی با جلسات پیگیری، معاینه و خدمات پیشگیرانه در مدت زمان مختلف انجام شده بود و متغیرهای اندازه‌گیری شده در آنها شامل آگاهی، نگرش، باور و عملکرد در زمینه انجام مراقبت‌های بهداشت دهان و دندان، اجزای مدل اعتقاد بهداشتی و شاخص پوسیدگی دندان بود، که تمامی این متغیرها در بین شرکت کنندگان گروه آزمون بعد از انجام مداخله آموزشی از لحاظ آماری بهبود معنی دار پیدا کرده بود. نتیجه گیری: با توجه به بررسی مداخلات صورت گرفته در داخل و خارج از ایران و ارزیابی نتایج آنها، آموزش رفتارهای ارتقاءدهنده سلامت دهان و دندان به والدین و ارائه خدمات پیشگیرانه در کوتاه مدت بیانگر تأثیرات مثبت بر سلامت دهان و دندان کودکان می باشد. همچنین به نظر می رسد که مداخلات مبتنی بر نظریه‌ها و مدل‌های تغییر رفتار می تواند به عنوان یک روش مؤثر در ارتقاء عملکرد بهداشت دهان و دندان در کودکان ۰-۶ سال در نظر گرفته شود.



"Man is condemned to be free" - Jean-Paul Sartre

"Man is condemned to be free" - Jean-Paul Sartre

به نام خدا

به نام خداوند دریای نور
خدائی که دارد به هر جا حضور

۱۱- چگونه روابط اجتماعی شما تحت تاثیر استقلال شما قرار گرفته؟
همینطور هم که قبلا گفتم حمایت دوستان و خانواده در رشد کار من خیلی تاثیر مهمی داشته و از اونجایی که دوستان خوب زیاد داشتم و دارم زودتر توانستم کار خودمو ارتقا بدم که قطعاً بدوم کمک آنها به اینجا نمی رسیدم من همیشه گفتم که پیچ منو دوستان حمایت کردن تا موفق شدم.

۱۲- آیا احساس میکنید جامعه به زنان مستقل احترام میگذارد؟ چرا یا چرا نه؟

بله شاید قبلا چنین نبوده ولی الان خیلی زیاد به زنان مستقل احترام می گذارند. الان از ۱۰۰ پیج کاری فقط ۸۰ تا شون زن هستند. زنان شاغل ما با اومدن فضای مجازی بیشتر دیده شدن

۱۳- به نظر شما فرهنگ جامعه چه تاثیری بر روی استقلال زنان داشته؟
فرهنگ جامعه ما که الان روی حجاب حساس شدن خب خیلی از کسب و کارها رو محدود کردن ولی زنان ما همیشه راهی پیدا کردن و با خلاقیت با حفظ حجاب باز هم قویتر از قبل حضور داشتن.

۱۴- چگونه میتوانیم به ترویج استقلال زنان در جامعه کمک کنیم؟

فقط با حمایت کردن و تشویق زنان خانه دار برای کار کردن حتی آنلاین و دور کاری چون به نظر من هر زنی باید مستقل باشه و یکی از لذت های زندگی همین الان خیلی از بانک ها هستن که برای کسب و کار بانوان حتی وام میدن ،این خودش یک کمک بزرگیه

۱۵- آیا برای آینده خود برنامه خاصی برای ادامه مسیر استقلال دارید؟

بله خودم خیلی دوست دارم به غیر از کار تبلیغات یک بیزنس جدا برای خودم داشته باشم و یک کارهایی هم دارم انجام میدم که امیدوارم خوب پیش بره.

۱۶- برای اینکه زنی بتواند مستقل باشد چه کارهایی باید انجام دهد؟

اول از همه داشتن اعتماد به نفس و باور به توانایی هایی که دارن. دوم تلاش و پشتکار و آموزش و مشورت با کسانی که توی این راه سابقه دارن و بعد تبلیغات و حمایت اطرافیان.

۱۷- ویژگی های یک زن مستقل از نظر شما چیست؟

به نظر من زن مستقل زنی است که در کارش موفق و برای خودش کار مفیدی انجام میده و احتیاجش به اطرافیان حداکثر کم میکند و در کنار مادر بودن هم شاغل و هم درآمد داشته باشد.

۱۸- شما به عنوان زن مستقل چه راهکارهایی به زنان پیشنهاد میدهید؟

در حله اول اعتماد کردن به خود و باورهاتون که شما میتونید موفق بشید در هزارز کاری. الان که فضای مجازی این امکان رو میده که حتی آنلاین کلاس شرکت کنید و در زمینه کاری خودتون آپدیت بشوید و حتما تا جایی که میتونید از کسب و کار دیگر زنان مستقل حمایت کنید.

۱۹- به عنوان زن مستقل چه دست آوردهایی را پیش از همه ارزشمند میدانید؟
دست آوردهایی که زنان با تلاش و پشتکار خودشان بدست آوردن و برای ادامه دادن کارشان با وجود همه موانع مخصوصا زن بودن به تنهایی جنگیدن تا موفق شدن که کم نیستن از این زنان در سرزمین ما. خیلی با ارزش هستن.

۲۰- چگونه میتوان به یکدیگر در مسیر استقلال کمک کنیم؟

راهکارهای زیادی هست مثل حمایت کردن. مثلا اگر میبینی زنی کارش فروش لباس آنلاین هست سعی کنیم از اون خرید کنیم و کارش رو تبلیغ کنیم... حتی من همیشه گفتم یک لایک. یک کامنت. میتونه کمک کنه برای ارتقا کار و پیج این چیزهای کوچک از هم دریغ نکنیم.

و در آخر اگر حرفی و یا سخنی با خوانندگان دارید بفرمایید...

امیدوارم همه زنان سرزمینم در هر کجا که هستن موفق و سربلند باشن و من هم تونسته باشم با پیج کاریم کمک کوچکی با تبلیغات براشون انجام بدم.

امیدوارم که لذت برده باشید .

با هم و در کنار هم پیش به سوی آینده ای درخشان

زنان نیمی از جامعه را تشکیل می دهند، نیمی دیگر رو هم به دنیا میارن
گویا تمام جامعه زنان هستند.

تا درودی دیگر به درود



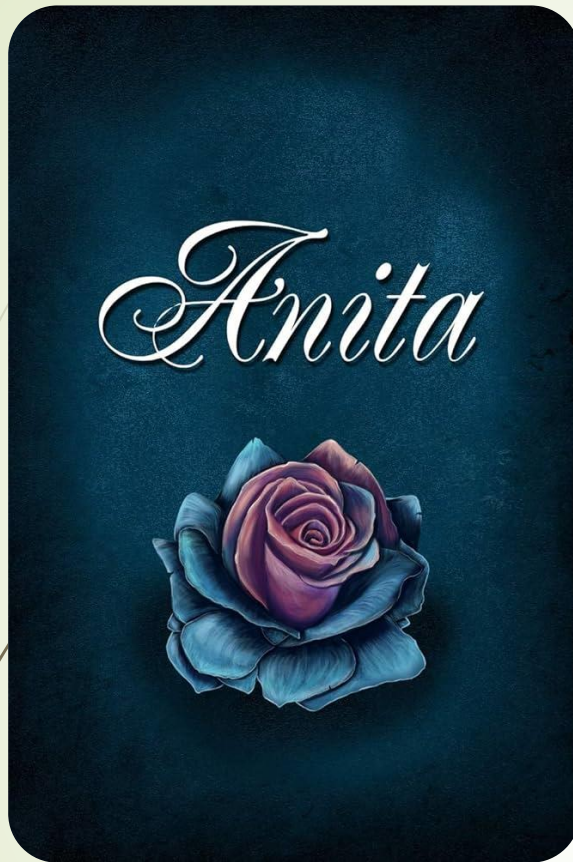
با آرزوی موفقیت و سلامتی برای
شما مهربانو



@Alis Baghdasarian



اینان باید دوباره این مسائل را فراگیرند. باید به خود بیاموزند که ننگی پست‌تر از ترسیدن نیست؛ و چون این را آموختند ترس را یکسره فراموش کنند، و در کارگاه خود جایی برای هیچ چیز باقی نگذارند، مگر راستی‌ها و حقایق دیرین دل‌آدمی، مهر و شرف و رحم و غیرت و رأفت و فداکاری، حقایق دیرین جهان، که بی‌وجود آنها، هر داستانی ناپایدار و محکوم به نیستی است. تا چنین نکنند، نفرینی بر تلاششان سایه افکنده. سخن از شهوت می‌گویند نه از مهر؛ از شکست‌هایی دم می‌زنند که در آنها هیچ‌کس چیز ارزنده‌ای نمی‌بازد، از پیروزی‌هایی که در آن امید نیست، و از همه بدتر، رحم نیست، رأفت نیست. غم‌هاشان از دردهای نوع بشر مایه نمی‌گیرد، و داغی به‌جا نمی‌گذارد. سخنشان از دل نیست، از عقده‌هاست.



Instagram: @anita_arzoomanian
 t.me/ani_letters
 www.ani_letters.com

برای ارسال آثار خود جهت انتشار در مجله
 ادبی آنی با شماره واتساپ و تلگرام زیر تماس
 حاصل فرمایید:

۰۹۲۲۳۷۸۹۱۸۰

